

ابعاد و محدودیت‌های روابط نظامی ایران و چین پس از برجام

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۹/۲۱
تاریخ تأیید: ۱۳۹۶/۴/۱۳

مسعود رضائی^۱
سعید وثوقی^۲

چکیده

با روی کار آمدن دولت روحانی و موفقیت وی در دستیابی به توافق هسته‌ای با گروه ۱+۵، روابط نظامی ایران و چین وارد مرحله تازه‌ای شده است. پس از حدود دو دهه کاهش این جنبه از مناسبات دو جانبه به واسطه فشارهای آمریکا و اعمال تحریم‌های شورای امنیت؛ فرض بر این است که پس از برجام، با لغو بخشی از تحریم‌های سازمان ملل، روابط نظامی دو کشور بهبود یابد. نظر به قابلیت‌ها و نوآوری‌های چشم‌گیر چین در عرصه‌ی فن‌آوری‌های نظامی، اهمیت این شریک راهبردی نیز برای جمهوری اسلامی ایران از اهمیت مضاعف برخوردار شده است. از همین رو مقاله‌ی حاضر ضمن پرداختن به ابعاد نوین پیوندهای نظامی و دیپلماسی دفاعی میان دو کشور، بحث را بر این پایه قرار می‌دهد که با وجود نیازمندی‌های ایران به ازسرگیری و استمرار برنامه‌ی نوسازی نظامی خود با چین برای ایجاد موازنه‌ی نظامی در منطقه؛ اما به جهت ملاحظات سیاسی چین در دو بعد منطقه‌ای و جهانی، قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت و همچنین نقش آمریکا در این خصوص، دامنه‌ی پیوندهای دفاعی و نظامی دو کشور پس از برجام در مقایسه با روسیه در همین دوران، حساس‌تر و آسیب‌پذیرتر بوده، و همچنان این جنبه از روابط با محدودیت‌هایی مواجه خواهد بود.

واژگان کلیدی: ایران، چین، تسلیحات، دیپلماسی دفاعی، آمریکا، نظامی، برجام.

۱ دکترای روابط بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان.

msd.rezaei@yahoo.com

۲ استادیار گروه روابط بین‌الملل، دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول).

s.vosoughi@ase.ui.ac.ir

مقدمه

ایران یکی از بزرگ‌ترین ارتش‌های خاورمیانه است، اما به‌واسطه چند دهه تحریم اقتصادی، لزوماً قوی‌ترین در منطقه نیست. موفقیت مذاکرات هسته‌ای ایران و گروه ۱+۵ در قالب «برنامه جامع اقدام مشترک» در سال ۲۰۱۵، مسیر را برای لغو تحریم‌های چند دهه ساله این کشور هموار کرد و از نظر سیاسی، این توافق منجر به مشروعیت‌بخشی به رابطه بین‌المللی ایران و چین گردید. در این چارچوب، به نظر می‌رسد پکن توسعه روابط نظامی بیشتر تر با تهران در پرتو همکاری جمهوری اسلامی ایران با غرب را کم‌هزینه‌تر می‌بیند؛ چراکه اکنون، برقراری ارتباط عمیق‌تر تهران-پکن، واکنش تند سیاسی قدرت‌های غربی را در پی نخواهد داشت. بر همین اساس، ظرف چندسال اخیر، این موضوع تقویت شده است که دو کشور ایران و چین در قالب فضای پسابرجام، می‌توانند سطح جدید و گسترده‌ای از روابط را با تقویت دیپلماسی دفاعی و در چارچوب همکاری‌های استراتژیک و نظامی با یکدیگر طراحی و تجربه کنند. این بخش از روابط اساساً به گونه‌ای روزافزون در کلیت سیاست دفاعی ایران واجد اهمیت اساسی است. این اهمیت در طول جنگ هشت ساله ایران و عراق به خوبی قابل مشاهده است. کشوری که از قید و بند پیشینه تاریخی، مشابه آنچه که روابط ایران را با روسیه، بریتانیا و آمریکا دشوار و پیچیده ساخته، آزاد است.

می‌دانیم که همکاری نظامی ایران و چین به دلیل تحریم‌های سازمان ملل و فشارهای بین‌المللی در مورد برنامه هسته‌ای ایران در دهه ۲۰۰۰ متوقف و رو به زوال رفت. قطع‌نامه‌های به تصویب رسیده در شورای امنیت با حمایت چین، همکاری با صنایع موشکی بالستیک و هسته‌ای ایران را ممنوع کرد و در سال ۲۰۱۰ با قطع‌نامه ۱۹۲۹، دامنه ممنوعیت‌های فروش سلاح به ایران گسترش یافت که به طور مؤثر، حمایت چین از نیروهای مسلح ایران را از بین برد. بنابراین، تعامل نظامی پیشرفته دو کشور، که در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ به طور گسترده وجود داشت، در دهه اول قرن بیست و یکم از هم پاشید. اکنون اما به واسطه فضای جدید پسابرجام، امیدها برای توسعه این بخش از روابط میان دو کشور افزایش یافته است. از همین رو، پرسش اصلی مقاله بر این پایه استوار است که اساساً پیامدهای توافق هسته‌ای وین در روابط ایران و چین ناظر به چه موضوعات و مسائلی در حوزه نظامی و دفاعی بوده، قلمرو اثرگذاری آن کجاست، در میان موارد مذکور، همزمان ملاحظات دو کشور حول چه محورهایی می‌چرخد و در نهایت، این مهم چه ابعاد و محدودیت‌هایی را برای روابط دفاعی تهران-پکن به همراه خواهد داشت؟ در پاسخ نیز به‌طور عمده، مقاله حاضر با دستمایه قرار دادن چارچوب نظری موازنه قوا،

چشم‌انداز نوین روابط نظامی ایران و چین را با رویکردی توصیفی-تحلیلی و با تمرکز بر دوره ریاست‌جمهوری حسن روحانی مورد بررسی قرار داده، و سطح، محدوده و دامنه این بخش از روابط دو کشور را در شرایط جدید مطمح نظر قرار خواهد داد.

۱. چارچوب نظری

نظریه رئالیسم با تبیین منافع از چشم‌انداز قدرت، بر این باور است که زمانی که دولت‌ها درصدد دست‌یابی به اهداف خود از طریق مکانیسم‌های سیاست بین‌الملل برآیند، شیوه حفظ، نمایش و افزایش قدرت را به‌مثابه مجرای کسب منافع تلقی می‌کنند (Morgenthau, 1948: 13). از طرفی، رئالیست‌ها معتقدند دولت‌ها برای بالا بردن شانسی بقایشان علیه یک قدرت متمرکز، دست به توازن می‌زنند و هم‌چنین تهدید علیه بقای آن‌ها تنها از طریق کسب مقادیری از قدرت نظامی نسبت به دیگر دولت‌ها و یا ائتلافی از آن‌ها مرتفع می‌شود (Waltz, 1979: 73). یعنی کشورها به‌شدت به جایگاه خود در «موازنه قوا» اهمیت می‌دهند. به‌ویژه، آنان در تلاش‌اند تا به‌نوعی از رقبای بالقوه خود قدرت‌مندتر باشند، چون این برتری و مزیت قدرت، چشم‌انداز بقا و امنیت آنان را افزایش می‌دهد. ایران معتقد است ایالات متحده در مرکز یک سیستم اتحاد و ائتلاف بسیط قرار دارد که ارزش این اتحاد و ائتلاف‌ها در خاورمیانه، همواره پس از انقلاب اسلامی با معیار میزان تأثیرگذاری آن‌ها بر امنیت ملی ایران سنجیده شده است. به همین جهت و به تعبیر «بری پوزن»، «این اتحادها یک خطر اخلاقی ایجاد می‌کنند. تضمین‌های بیش از اندازه آمریکا به این کشورها آن‌ها را تشویق می‌کند که دست به رفتارهای خطرناک بزنند» (Posen, 2016: 1). رفتار منطقه‌ای عراق دوران صدام، اسرائیل نسبت به همسایگان خود، ترکیه کنونی در عراق و سوریه و هم‌چنین عربستان سعودی در ائتلاف‌سازی علیه یمن و جمهوری اسلامی ایران، نمونه آشکار چنین استراتژی است که ایران آن را به عنوان زنگ خطر جدی علیه خود قلمداد می‌کند.

بر همین اساس و نظر به آن که ج.ا.ایران به واسطه سال‌ها تحریم‌های نظامی و هم‌چنین بودجه کم دفاعی، توان آن در رقابت و ایجاد موازنه با کشورهای پیرامون خود از کاستی‌هایی برخوردار بوده و به لحاظ عینی هم قابلیت‌های نظامی و قدرت لجستیکی ایران برای «جنگ کلاسیک خارج از خانه» چندان قابل توجه نیست؛ دسترسی به تجهیزات نظامی پیشرفته خارجی از کشورهایی هم‌چون روسیه و چین را برای خود ضرورتی اجتناب‌ناپذیر تلقی

می کند. شاهد مثال آن که «ظرف ۶۵ سال گذشته، میانگین خرید تسلیحاتی سالانه ایران حدود ۷۱۰ میلیون دلار بوده که بسیار ناچیز و کم تر از بسیاری از کشورهای هم-جوار و همسایه ایران است. در واقع با وجود قطع روابط سیاسی و نظامی تهران-واشنگتن، ایالات متحده آمریکا هم چنان بزرگ ترین صادر کننده سلاح به ایران تا سال ۲۰۱۵ محسوب می شود است. بنا بر نتایج تحقیق مستندی که وبسایت PRI از آمارهای «مؤسسه تحقیقات صلح بین المللی استکهلم»^۳ (سیبری) و اندیشکده مستقل «پایگاه نقل و انتقالات تسلیحاتی»^۴ انجام داده است، ایالات متحده آمریکا از سال ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۹ بالغ بر ۲۴ میلیارد و ۹۴۳ میلیون دلار سلاح به ایران فروخته است که از این رقم تنها ۶۴ میلیون دلار پس از انقلاب اسلامی (در قالب ایران کنترا) و ۲۴ میلیارد و ۸۷۹ میلیون دلار مربوط به سال های پیش از انقلاب اسلامی در ایران بوده است (Kuek Ser, 2016).

در مقابل، رقبای ایران هم چون عربستان سعودی با جمعیتی حدود یک چهارم ایران، بودجه نظامی آن پنج برابر ایران است. در این راستا، سیبری در تازه ترین گزارش خود که آوریل ۲۰۱۶ پیرامون هزینه های نظامی کشورهای جهان منتشر شده، اعلام کرد که بودجه نظامی عربستان سعودی بالغ بر ۸۷ میلیارد دلار بوده، تا جایی که روسیه را پشت سر گذاشته و پس از چین در جایگاه سوم ایستاده است. تنها در دوره باراک اوباما، پنتاگن حدود ۱۱۲ میلیارد دلار تسلیحات به این پادشاهی فروخته است که اکثر آن ها در سال ۲۰۱۲ و در زمان حضور رابرت گیتس در وزارت دفاع آمریکا صورت گرفت (Riedel, 2017: 3)؛ فارغ از گمانه زنی های جدیدی که در دوران ترامپ میان عربستان سعودی و آمریکا در مورد امکان فروش تسلیحات آمریکایی به ارزش ۱۱۰ میلیارد دلار به مقامات ریاض مطرح شده است. در این میان امارات متحده عربی با ۲۲.۸ و اسرائیل نیز با ۱۶.۱ میلیارد دلار در قیاس با بودجه نظامی ایران که ۱۴ میلیارد دلار است؛ با وجود جمعیت بیشتر ایران از این کشورها، این ارقام تفاوت قابل ملاحظه ای را نشان می دهند. بر اساس این گزارش، بودجه نظامی عربستان از سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۵ افزایش ۹۷ درصدی داشته و بودجه دفاعی ایران در همین مدت زمانی با کاهش ۳۰ درصدی روبرو بوده است (SIPRI Fact Sheet, April 2016: 1-2-5). از طرف دیگر، اکنون در تهران این موضوع نزد مقامات نظامی و سیاسی مطرح است که اگر با برجام، ادعای واهی تهدید هسته ای ایران از هم پاشیده است، چرا اسرائیل به ۲۰۰ کلاهک هسته ای نیاز دارد؟

3 Stockholm International Peace Research Institute SIPRI

4 Arms Transfers Database

چرا اسرائیل این حق را دارد که تنها دولت در خاورمیانه باشد که با حمایت آمریکا از عضویت در پیمان منع گسترش تسلیحات هسته‌ای معاف شود؟

با درک این واقعیت و با توجه به واقع شدن ایران در محیط به غایت ناامن خاورمیانه و هم‌چنین دسترسی محدود ایران به آب‌راه‌های گسترده و محافظت‌شده و هم‌چنین نداشتن بمب‌افکن‌های راهبردی، گزینه ایده‌آل برای بازدارندگی فعال نزد ایران، برخورداری از موشک‌های بالستیک برای ایجاد موازنه است (Rezaei, 2015 a). بر این اساس، ج.ا.ایران بر پایه قدرت خود و مجاورت جغرافیایی، سعی می‌کند نیات و تهدیدات سایر کشورها را برآورد و ارزیابی کرده و در برابر آن دست به موازنه‌سازی درون‌گرا (یعنی تقویت و افزایش توانایی‌های خود) و موازنه‌سازی برون‌گرا (در چارچوب اتحادها و ائتلاف‌های نظامی) بزند. یعنی همان‌گونه که بر پایه موازنه درون‌گرا، جمهوری اسلامی با تکیه بر مقدرات ملی خود و به صورت یک‌جانبه درصد افزایش قدرت و مقابله با تهدیدها برمی‌آید؛ در الگوی موازنه‌سازی برون‌گرا نیز جمهوری اسلامی ایران با اتخاذ راهبرد چندجانبه‌گرایی دست به ائتلاف‌سازی و اتحادسازی زده و به موازنه‌سازی می‌پردازد. سیاست نگاه به شرق مبتنی بر نزدیکی به جمهوری خلق چین و هم‌چنین تلاش برای عضویت رسمی در سازمان همکاری شانگهای را می‌توان نمونه‌ای از موازنه‌سازی برون‌گرای ایران برای مقابله و خنثی‌سازی تهدیدات آمریکا و برخی از همسایگان تلقی و تحلیل کرد. به‌طور مصداقی، آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار با «شی جین‌پینگ»^۵ رئیس‌جمهور جمهوری خلق چین که درست پس از توافق هسته‌ای به ایران سفر کرده بود تأکید نمودند: «ایران همواره به دنبال گسترش روابط با کشورهای مستقل و قابل اطمینان همچون چین بوده و بر همین اساس، توافق رؤسای جمهوری ایران و چین برای یک رابطه استراتژیک ۲۵ ساله، کاملاً درست و حکمت‌آمیز است» (برزگر و رضائی، ۱۳۹۵: ۱۸). بر این اساس، با نگاهی رئالیستی، موضوع «توازن قدرت» را می‌توان به عنوان چارچوب نظری بحث و اساس الگوی روابط نظامی ایران با چین مورد توجه قرار داد.

۲. منطق و ملاحظات همکاری نظامی دو‌جانبه

منطق توجه ایران به همکاری نظامی با چین غالباً به جایگاه این کشور در عرصه بین‌المللی برمی‌گردد. تنها به لحاظ شاخص‌های اقتصادی، وزن چین در معادلات بین‌المللی به غیر از آمریکا با هیچ کشوری قابل مقایسه نیست و هم‌اکنون چین به‌عنوان یکی از اعضای دائم

شورای امنیت ملل متحد و بازیگری توانمند در عرصه علوم و فناوری‌های نظامی و دفاعی و قدرتی اتمی، در کنار مخالفت آن با نظم هژمونیک آمریکایی، به ایران انگیزه‌ای مضاعف برای نزدیکی می‌دهد تا با چشم‌اندازی ۲۵ ساله و کم کردن فاصله تکنولوژیک با برخی از کشورهای منطقه، برخی از عقب‌ماندگی‌های نظامی و تسلیحاتی خود را جبران کند. یعنی کشورهای حاشیه خلیج فارس، ترکیه، پاکستان و حتی جمهوری آذربایجان (به‌عنوان محیط فوری امنیتی کشور) در حوزه توان‌مندی‌های نظامی و تسلیح خود به جنگ افزارهای جدید، دست به خریدهای کلانی با غرب زده‌اند و این موضوع توازن قوا را به ضرر ایران تغییر خواهد داد. در راستای مقابله با این روند، در کنار توانمندی‌های داخلی، انعقاد قراردادهای نظامی با چین، تبادل اطلاعات و هم‌چنین تبادل مستشاران نظامی در برنامه‌ای منظم در مقام جبران این کاستی‌ها ضروری به نظر می‌رسد. در مقابل نیز، چینی‌ها توافق هسته‌ای ایران را به‌عنوان یک نقطه عطف چشم‌گیر مد نظر قرار داده‌اند که مکمل ایده‌های استراتژیک و هویت سوم آن یعنی «چین به‌مثابه قدرت جهانی»^۶ است.

از طرفی و بر اساس استراتژی دفاعی آمریکا و در سطحی کلان، همان‌گونه که ایران در خاورمیانه نباید به‌عنوان یک هژمونی منطقه‌ای ظهور و مورد شناسایی قرار گیرد، چین نیز در آسیای شرقی داعیه هژمونی منطقه‌ای دارد و باید در قالب مرزهای رسمی‌اش محدود و محصور شود. بنابراین، ایران و چین در مهار دامنه‌های نفوذ غرب در محیط پیرامون خود نیز اهداف و منافع مشترک دارند. در این میان، هرگونه چرخش در اولویت‌ها و سیاست‌های راهبردی ایالات متحده به سمت آسیا-پاسیفیک، دربردارنده منافعی نسبی برای ایران در خاورمیانه و خلیج فارس خواهد بود. تحت این شرایط ممکن است در آینده، روندها در محیط امنیتی دو کشور ایران و چین معکوس شود؛ در نتیجه، ج.ا.ایران در موقعیت بهتری برای چانه‌زنی با چین قرار گیرد.

به‌لحاظ آسیایی و منطقه‌ای نیز، دو سوی قاره آسیا نسبت به گذشته اهمیت بیش‌تری پیدا کرده است. شرق آسیا و در رأس آن چین، به یکی از کانون‌های اصلی اقتصاد جهانی تبدیل

۶ تلاش‌های چین در عرصه بین‌المللی، منعکس‌کننده افکار دیپلماتیک این کشور در قالب سه هویت بنیادی است: «هویت چین به‌عنوان یک قدرت سوسیالیستی»، «هویت چین به‌عنوان قدرت در حال توسعه» و «هویت چین به‌عنوان قدرت جهانی است». در این راستا، تفکر راهبردی دیپلماتیک چین همگام با هم‌زمان مبتنی بر مدارا، یادگیری متقابل و برد - برد و همکاری و مشارکت به جای اتحاد است. برای آگاهی بیش‌تر، رک به:

- China's Innovative Diplomatic Strategy in the New Era, CIIS, Time: May 27, 2015 Writer: Yang Jiemian, Editor: Li Minjie, http://www.ciis.org.cn/english/2015-05/27/content_7937633.htm

شده و غرب آسیا و عمدتاً خلیج فارس، مرکز ثقل تأمین انرژی قدرت‌های نوظهوری چون جمهوری خلق چین محسوب می‌شود. چینی‌ها همانند دیگر قدرت‌های جهانی دریافته‌اند که تأثیرگذاری در خاورمیانه بدون همراهی ایران اصلاً آسان نیست. از طرفی، این را هم می‌دانند که ایران نیز برای افزایش ظرفیت دفاعی خود در برابر خطرات احتمالی و هم‌چنین حفظ توازن نظامی در منطقه، به تسلیحات و فناوری‌های نظامی چین نیازمند است. این پیوندهای آسیایی که با جابه‌جایی بخشی از ثروت جهانی همراه شده است، به وجه دفاعی روابط چین و ایران اهمیت مضاعف می‌بخشد.

از دیگر سو، ایران که با چالش‌های متعدد منطقه‌ای روبرو است و تلاش دارد حوزه نفوذ خود را هم‌زمان افزایش داده و یا تثبیت کند، به یک هم‌پیمان خارجی خوش سابقه برای ارتقاء ظرفیت‌های بازدارندگی و ایجاد توازن نظامی منطقه‌ای نیاز دارد. چین نیز در محاسبات کلان و استراتژیک خود به شیوه‌ای دیگر به ایران نیازمند است. بر اساس سندی که «موسسه نیروی دریایی آمریکا»^۷ منتشر کرده است، چین قصد دارد امنیت منافع خودش را در دیگر مناطق جهان تضمین کند (USNI News, May 26, 2015) و در این راه، منطقی به نظر می‌رسد که با ایران همراه شود؛ زیرا ایران تنها کشور بزرگ و قدرتمند خاورمیانه است که با آمریکا متحد نیست و مسیرهای دریایی و زمینی آن اهمیتی حیاتی برای چین دارند. در همین راستا، اخیراً چین سیاست‌های جدید نظامی خود را اعلام کرده که در آن بر گسترش حضور نظامی این کشور در خارج از مرزهای خود تأکید داشته و هدف آن بر این پایه استوار است که «نیروی دریایی این کشور باید حضور بیش‌تری در آب‌های آزاد داشته باشد». بر اساس این سند، این کشور بنا دارد سیاست نظامی خود را به «دفاع فعال» تغییر دهد. بدین مفهوم که ارتش آزادی‌بخش خلق تاکنون عمدتاً بر دفاع از مرزهای خود متمرکز بوده است؛ اما از این پس در صدد است حضور نظامی خود را به خارج از مرزهای این کشور گسترش دهد.^۸ افزون بر آن، چینی‌ها هوش‌مندانه می‌دانند که تقویت دیپلماسی دفاعی با ایران با وجود حساسیت‌ها و بی‌اعتمادی شخص آیت‌الله خامنه‌ای نسبت به توسعه روابط ایران با غرب، متضمن حفظ برخی از منافع آن‌ها در این محور ژئواستراتژیک خواهد بود (رضایی، ۱۳۹۴: ۹۲).

به لحاظ امنیتی نیز، به نظر می‌رسد چین و ایران هر دو به روش خود در خصوص تضعیف نظم

7 United States Naval Institute

۸ در این ارتباط بنگرید به:

- China's Military Strategy, The State Council Information Office of the People's Republic of China و May 2015, Beijing و <http://eng.mod.gov.cn/Database/WhitePapers/>

بین‌المللی موجود به رهبری آمریکا متعهد هستند. چین نهادهای امنیتی و اقتصادی منطقه‌ای ایجاد کرده است که با نهادهای تحت تسلط آمریکا و متحدان‌اش رقابت می‌کنند و ایران هم مایل است در آن‌ها فعالانه مشارکت و عضویت داشته باشد. «سازمان همکاری‌های شانگهای»^۹ یکی از مهم‌ترین این نهادها است. جهان در حال چندقطبی شدن است و سازمان همکاری شانگهای هم از این فرایند اجتناب نمی‌کند. بر همین اساس، پس از حصول برجام، «دیمیتری مزنتسف»^{۱۰} دبیر کل سازمان همکاری شانگهای با استقبال از موفقیت بزرگ در مذاکرات هسته‌ای گفت که «توافق وین، زمینه را برای عضویت کامل جمهوری اسلامی ایران در سازمان همکاری شانگهای فراهم کرده است» (Weijian, 2015). اظهارات دو سال اخیر مقامات چینی و روسی نیز ظاهراً از این امر حکایت داشته است (Sputnik, June 3, 2015).

از دیگر سو، شکی نیست که ظهور اتصالات دیجیتال، ماهیت مناقشه و رقابت‌های بین‌المللی را تغییر داده است. در این راستا با توجه به اینکه «آژانس امنیت ملی آمریکا جنگ سایبری هدف‌مندی را علیه اهدافی همچون تأسیسات هسته‌ای و حیاتی ایران و هم‌چنین شبکه‌های فرماندهی چین در دستور کار قرار داده است» (Singer, 2015)، برای خنثی‌سازی نسبی تهدیدات سایبری هم، پکن و تهران برای همکاری‌های امنیتی در این قلمرو، انگیزه و دلایل مشترکی خواهند داشت. افزون بر آن، اتحاد آمریکا با شورای همکاری خلیج فارس، تا حدودی یک رژیم امنیتی سازگار با منافع واشنگتن در خاورمیانه را تضمین کرده است. با این حال، خلیج فارس به‌طور کامل و ایمن در مدار آمریکا نخواهد بود؛ تا زمانی که جمهوری اسلامی مخالف حضور آمریکا در منطقه است. این مهم و بهره‌برداری از فرصت‌های همکاری نظامی ایران با چین در پرتو کسب سخت‌افزارهای نظامی نسبتاً پیشرفته چینی (به‌ویژه قابلیت‌های ضد‌دسترسی)، از نظر استراتژیست‌های ایران به عنوان فرصت ایجاد موازنه در منطقه خلیج فارس تفسیر می‌شود و برای مقامات چینی احتمالاً روابط نزدیک نظامی با تهران به منظور جلوگیری از هژمونی ایالات متحده به صورت نیابتی، ترجمه خواهد شد؛ به گونه‌ای که در پرتو آن، تمرکز پنتاگن به منطقه اقیانوس آرام منحرف شود. بنابراین، پس از برجام، دور ننگه داشتن تهران از واشنگتن، هم‌چنان به نفوذ جهانی و وزن استراتژیک چین در امور بین‌المللی کمک می‌کند. شاید بی‌جهت نباشد که گفته می‌شود آینده تمام آسیا به این بستگی دارد که ایران نهایتاً به کدام طرف متمایل خواهد شد (Karaganov, 2008: 42-46).

9 Shanghai Cooperations Organization (SCO)

10 Dmitry Mezentsev

۳. سمت‌گیری نوین دیپلماسی دفاعی دو کشور

عموماً شکل جدید همکاری‌های دفاعی و نظامی دو کشور تا پیش از سال ۲۰۱۳ به جهت فشارهای بین‌المللی علیه ایران و محافظه‌کاری چین در این خصوص، قابلیت ظهور و بروز نیافته بود. اما ظرف چند سال اخیر، این مهم به‌عنوان محرک اصلی و مکمل روابط پیچیده ایران و چین مطرح‌نظر قرار گرفته و پس از برجام، زمینه‌ای را فراهم نموده تا دو کشور مجموعه‌ای از اقدامات اعتمادساز را در روابط نظامی-دفاعی خود در دستور کار قرار دهند (Rezaei, 2014: 109-148). در همین راستا، ۲۳ مهرماه ۱۳۹۴، سرلشکر فیروزآبادی-رئیس پیشین ستاد کل نیروهای مسلح ایران- در تهران میزبانی دریاسالار «سان جیانگو»^{۱۱} -جانشین رئیس ستاد کل ارتش جمهوری خلق چین- را بر عهده گرفت و دو طرف یک تفاهم‌نامه نظامی امضا کردند. پیش‌نویس این تفاهم‌نامه در زمینه‌های دفاعی، آموزشی، فنی، اطلاعاتی، سایبری و مبارزه با تروریسم بود.^{۱۲} موضوعی که با تبدیل شدن آن به موافقت‌نامه (با سفر رئیس‌جمهور چین به ایران)، دیپلماسی دفاعی و امنیتی ایران و چین را به واقعیت نزدیک کرده است. در همین ارتباط و به‌طور نمونه، در ماه مه ۲۰۱۴، حسین دهقان -وزیر دفاع ج.ا.ایران- به چین سفر کرد و با تعدادی از مقامات نظامی و سیاسی این کشور دیدار نمود. «چانگ وانکوان»^{۱۳} وزیر دفاع چین نیز اعلام کرد^{۱۴} که کشورش خواستار همکاری‌های نظامی نزدیک‌تر با ایران است. در سپتامبر همان سال نیز، برای اولین بار دو ناوشکن چینی «چانگچون»^{۱۵} و «شانگزو»^{۱۶}، به مدت چهار روز وارد بندرعباس شدند و به تمرین‌های مشترک نظامی با ایران پرداختند (LaGrone, 2014). این اولین حضور کشتی‌های نظامی چینی در یکی از بنادر ایران پس از انقلاب اسلامی بود که ارتقاء سطح دیپلماسی دفاعی دو کشور در این دوره را نشان می‌دهد.^{۱۷} از

11 Sun Jianguo

۱۲ برای آگاهی بیشتر، ر.ک به:

- Chinese admiral visits Iran, wants closer defense cooperation, Wed Oct 14, 2015
<http://www.reuters.com/article/us-china-iran-idUSKCN0S907Q20151015>

13 Chang Wanquan

۱۴ برای آگاهی بیشتر، ر.ک به:

- <http://uk.reuters.com/article/uk-china-iran-idUKKBN0DL0DU20140505>, May 5, 2014
China aims to boost military relations with Iran, and Xinhua: May 5, 2014. http://news.xinhuanet.com/english/china/2014-05/05/c_133311149.htm

15 Changchun

16 Changzhou

۱۷ در ادامه این مسیر رو به رشد، در تاریخ ۲۵ خرداد ۱۳۹۶ نیز برای دومین بار، یک ناوگروه چینی در منطقه یکم نیروی دریایی ارتش در بندرعباس پهلو گرفت که این ناو گروه شامل دو ناو جنگی Changchun و Gin Zhou و هم‌چنین یک شناور پشتیبانی با نام Chao Hu بود.

طرفی، در اکتبر ۲۰۱۴، حبیب‌الله سیاری- فرمانده نیروی دریایی ارتش ایران- برای نخستین بار و به دعوت فرمانده نیروی دریایی ارتش خلق چین، «وو شنگلی»^{۱۸} به‌طور رسمی از چین دیدار و گفتگوهای مهمی را در خصوص مسائل امنیت دریایی، مبارزه با دزدی دریایی در شاخ آفریقا و خلیج عدن و همکاری‌های نظامی و فنی در قلمرو دریایی انجام دادند (PLA Daily, October 23, 2014). اکنون با وجود توافق هسته‌ای و خروج نسبی ایران از تحریم‌های چندجانبه، مناسبات آن‌ها مشروعیت بین‌المللی هم پیدا کرده است (Singh, 2014).

برخی از منابع غربی نیز معتقدند که از سال ۲۰۱۳، دو کشور همکاری‌های به دور از جنجال و بی‌سابقه‌ای را با یکدیگر تجربه کرده‌اند. به‌طور نمونه، ایران دسترسی به ساختار پهپاد US RQ-170 آمریکا را - که در دسامبر ۲۰۱۱ در ایران ناپدید شده بود- با چین به اشتراک گذاشته است. هم‌چنین در شهریور ۱۳۹۴ (اوت ۲۰۱۵) اخباری مبنی بر تمایل ایران برای خرید ده‌ها فروند هواپیماهای جنگنده از نوع Chengdu J-10 قالب قراردادی میلیارد دلاری مطرح گردید (Ermito, 2015: 3-4). در سایه این روابط، احتمال جایگزینی جنگنده‌های پیشرفته با جنگنده‌های قدیمی اف ۱۴ و فانتوم‌های اف ۴ مورد توجه قرار گرفت (OE Watch, 2015: 7). هرچند کارشناسان و نظامیان در کشور، برنامه خود را برای خرید سوخو ۳۰ از روسیه مطرح کرده و بر آن تأکید دارند، اما در سایر حوزه‌ها همکاری‌های دفاعی دو کشور به این معناست که ایران قادر خواهد بود برخی از نیازمندی‌های نظامی خود هم‌چون موشک‌های ضدکشتی، اژدها و سامانه‌های دفاع هوایی را متنوع کرده و در مقابل خریدهای کلان نظامی کشورهای خلیج فارس، اندکی موازنه برقرار کند. احتمالاً سفر یازدهم آبان ۱۳۹۴ (۲ نوامبر ۲۰۱۵) امیر سرتیپ خلبان «حسن شاه‌صافی»- فرمانده نیروی هوایی ارتش- به چین و دیدار با «ما ژیاوتیان»^{۱۹}- فرمانده نیروی هوایی این کشور- در همین راستا بوده است. در جریان این ملاقات، طرف چینی تصریح کرد: «ما امیدواریم که این همکاری‌ها به سطحی مقبول به جلو پیش برود». در این سفر چهار روزه، فرمانده نیروی هوایی ایران از شرکت «کاتیک»^{۲۰}، از شرکت‌های زیرمجموعه سازمان هوافضای چین، و «نریت»^{۲۱} شرکت فعال در حوزه الکترونیک هوایی و هم‌چنین مرکز کنترل و دفاع هوایی در شهر پکن بازدید کرد (OE Watch, 2015: 7).

18 Wu Shengli

19 Ma Xiaotian

20 CATIC (China National Aero-Technology Import & Export Corporation)

21 NRIET (Nanjing Research Institute of Electronics Technology)

هم‌چنین امیر شاه‌صفی با سفر به شهرهای «جی‌نان» و «شی‌ان» ضمن حضور در لشکر ۱۹ هوابرد چین و دانشکده مهندسی نیروی هوایی این کشور، از شرکت‌های «ژاک»^{۲۲} و «فاکری»^{۲۳} نیز دیدن کرد (خبرگزاری فارس، ۱۱ آبان ۱۳۹۴). این مهم، در راستای تقویت دیپلماسی دفاعی ایران و چین و به معنای بسترسازی همکاری‌های دوجانبه میان نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران و جمهوری خلق چین در ابعاد مختلف همکاری‌های آموزشی و تقویت مناسبات دفاعی دوجانبه است که در دوره روحانی شکوفا شده است.

۴. امکانات و فرصت‌های نظامی دوجانبه

بر کسی پوشیده نیست که جمهوری خلق چین ظرف یک دهه اخیر هم به لحاظ آرایش زمینی، توان دریایی، قابلیت‌های هوایی و هم برنامه موشکی و سایبری، توجه فزاینده‌ای را در عرصه جهانی به خود جلب کرده است. این موضوع پس از توافق هسته‌ای وین، برای ایران از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار شده و مقامات نیروهای مسلح کشور نیز مایلند قدرت نظامی خود را در پیوند نزدیک با چین به‌روزرسانی و متنوع‌سازی کنند. بنابراین در شرایط جدید، بازار بزرگ ایران در مقابل نظامیان چینی قرار گرفته است که از نظر مقیاس، ممکن است از بازار پاکستان هم بزرگ‌تر باشد. از همین‌رو، در غرب این گمانه مطرح شده است که در سال‌های پیش‌رو، چین ممکن است تلاش کند تا تسلیحات پیشرفته و گسترده‌ای را به ایران بفروشد. «برای نمونه، چین می‌تواند موشک‌های کروزر پیشرفته یا تخصص‌های فنی را به ایران انتقال دهد که قادر است قابلیت تهران را با تولید داخلی موشک‌های کروزر ضدکشتی یا زمینی بهبود و ارتقا بخشد (Gormley and Others, 2014: 83-85). صحبت‌هایی در خصوص احتمال فروش هواپیمای جنگی فایربرد «J-10» به ایران یکی از این گمانه‌هاست. سامانه دیگر می‌تواند «شناور موشک‌انداز هوایی»^{۲۴} باشد (Defense News, June 17, 2015). با توجه به گرایش‌های مثبت اخیر در توسعه روابط ناوی ایران و چین (Rezaei, 2014: 129)، این امر می‌تواند انتخابی منطقی باشد و پتانسیل‌های دریایی دو کشور را عینیت بخشد. چین هم‌چنین می‌تواند همکاری خود با ایران را در زمینه‌هایی چون سامانه‌های فضایی یا ضدفضایی، قطعات دفاع موشکی، یا توان‌مندی‌های جنگ‌افزار الکترونیک بهبود بخشد. با این حال، فروش اکثر این سامانه‌ها، اگر نه تمامی آن‌ها، برای

22 XAC (Xi'an Aircraft Industrial Corporation)

23 FACRI (Flight Automatic Control Research Institute)

24 Houbei class fast attack missile boat

۸ سال نخستِ برجام نیازمند رأی مثبت شورای امنیت ملل متحد است. از همین رو، اجازهٔ ازسرگیری صادرات سلاح چین به ایران با برداشتن تحریم سلاح سازمان ملل را می‌توان در قالب جدولی از سلاح‌هایی که احتمال دارد چین به ایران بفروشد، نشان داد. یعنی برای ۸ سالِ نخست پس از برجام، تأییدیهٔ شورای امنیت برای انتقال تسلیحات متعارف به ایران مورد نیاز است. هرچند که چین می‌تواند به عنوان عضو دائم شورای امنیت، در این راستا اقدامات مؤثری ترتیب دهد، اما جدول زیر نشان می‌دهد که توافق هسته‌ای چطور بر فروش سامانه‌های فروخته‌شدهٔ چین به ایران در یک دهه پیش از اعمال تحریم‌های ۲۰۱۰ تأثیر گذاشته است.

سامانه	توضیح	برد	سال‌های انتقال	فروش تحت برجام
C-802	موشک ضد کشتی	۱۲۰ کیلومتر	۱۹۹۴-۲۰۱۲	نیازمند تأییدیه شورای امنیت برای ۸ سال نخست برجام؛ پس از آن بدون محدودیت
TYPE-86	نفربر زره‌پوش	-	۱۹۹۷-۲۰۱۱	نیازمند تأییدیه شورای امنیت برای ۸ سال نخست برجام؛ پس از آن بدون محدودیت
TL-10/ FL-8	موشک ضد کشتی	۱۸ کیلومتر	۲۰۰۲	مجاز (حداکثر برد زیر ۲۵ کیلومتر)
C-704	موشک ضد کشتی	۴۵ کیلومتر	۲۰۰۳	نیازمند تأییدیه شورای امنیت برای ۸ سال نخست برجام؛ پس از آن بدون محدودیت
C-801	موشک ضد کشتی	۴۰ کیلومتر	۲۰۰۴	نیازمند تأییدیه شورای امنیت برای ۸ سال نخست برجام؛ پس از آن بدون محدودیت
QW-11	موشک قابل حمل سطح به هوا	۵ کیلومتر	۲۰۰۵	نیازمند تأییدیه شورای امنیت برای ۸ سال نخست برجام؛ پس از آن بدون محدودیت

Sources: Wuthnow, 2016, p 8.

این مهم را نباید فراموش کرد که چین دیگر هم‌چون گذشته تولیدکنندهٔ محصولات محدود، ارزان و کم کیفیت نیست. این کشور در حال تولید انواع اقلام نظامی و البته با

کیفیت قابل توجه است. به‌علاوه، در تولید محصولات نظامی در حال حرکت به سوی تولید صددرصدی است. چین تا چند سال آتی حتی در ساخت موتور جنگنده از وابستگی به روسیه رها خواهد بود. گرچه مصادیق محدودیت در رابطه نظامی با چین هم‌چون مورد روسیه نیست؛ اما ایران فقط در شرایط مساعد بین‌المللی می‌تواند دست به انتخاب میان این دو بازیگر بزند. علاوه بر جنگنده ارزان و کارآمد «J-10»، زیردریایی‌های دیزلی و صنایع هلیکوپترسازی، چین در ترابری نظامی نیز دستاوردهای قابل توجهی داشته است که اهمیت بالایی برای جمهوری اسلامی ایران دارد. به‌طور نمونه، چین در مقابل هواپیمای آمریکایی «C-130» که در حال حاضر در بازار جهانی یکی از موفق‌ترین هواپیماهای ترابری است، مدل «Y-9» را طراحی و عملیاتی کرده که می‌تواند فروش آن‌ها در آینده در دستور کار قرار گیرد. یگان هواپیماهای آموزشی-نظامی ایران و تجهیزات صنعتی از جمله «شاسی چندمحوری سنگین» برای نصب تسلیحات برای ایران نیز باید ارتقاء یابند. برخی از منابع غربی معتقدند «چین در کمک به توسعه سامانه‌های ضد دسترسی ممانعت منطقه‌ای ایران نیز موضع محکمی خواهد داشت؛ چراکه پکن بر توسعه توانمندی‌های مورد نیاز برای به چالش کشاندن نیروهای مداخله‌گر آمریکا، به‌ویژه در مورد بروز بحران در تنگه تایوان، تمرکز کرده است» (Heath and Erickson, 2015: 143-156). از طرفی، چین ظرف سال‌های اخیر چندین ماهواره با توانایی‌هایی مثل «رادار روزنه مصنوعی»، «ماهواره مجهز به سامانه شناسایی الکترواپتیکی و شناسایی اقیانوسی» را به فضا ارسال کرده است و به نظر می‌رسد از آن‌ها برای هدف‌یابی اولیه موشک‌های قاره‌پیما بهره می‌برد. گفته می‌شود در کوتاه‌مدت و میان‌مدت اشتراک فن‌آوری این دست تسلیحات از طرف چین با ایران منتفی است، اما ممکن است در بلندمدت یا در قالب برنامه‌های سازمان همکاری شانگهای، شرایط متحول شود. با این حال، پاسخ به این پرسش که تا چه اندازه پکن رابطه تسلیحاتی با ایران را احیا خواهد کرد چندان آسان نخواهد بود. به نظر می‌رسد از یک طرف، مقامات وزارت خارجه چین در مقابل از سرگیری فروش سلاح به ایران موضع سلبی خود را خواهند داشت؛ چراکه این امر به اعتقاد آن‌ها می‌تواند بی‌جهت روابط چین با آمریکا و دولت‌های منطقه، همچون اسرائیل، عربستان، و ترکیه، را پیچیده کند. اما از طرف دیگر، ارتش آزادی‌بخش خلق و شرکت‌های اسلحه‌سازی چین می‌توانند در حمایت از فروش سلاح دست به لابی‌گری بزنند. همانند گذشته، برخی استراتژیست‌های نظامی چین می‌توانند صادرات اسلحه را به عنوان راهی برای قادر ساختن ایران جهت مقابله

مؤثرتر با هژمونی آمریکا در منطقه قلمداد کنند. تاجران چینی اسلحه، به نوبه خود، ممکن است تمایلی به از دست دادن چنین فرصت و بازاری مهمی نداشته باشند و موضع چین به عنوان یکی از بزرگ‌ترین صادرکنندگان اسلحه را حفظ کنند. با این حال، در صورت تحقق این امر نیز، مناسبات نظامی و دفاعی چین با ایران در مقایسه با روسیه از پیچیدگی‌ها و محدودیت‌های نسبتاً پایدارتری برخوردار است که در این جا به آن‌ها اشاره می‌شود.

۵. عوامل محدودکننده مناسبات نظامی

چینی‌ها معتقدند تقویت مناسبات راهبردی و نظامی با ایران ممکن است مشکلاتی برای آن‌ها به همراه داشته باشد. همکاری با ایران، حتی برای کشورهایایی که به نظر می‌رسد منافع مشترکی با ایران دارند، عموماً دشوار است. به علاوه، روابط فزاینده امنیتی با ایران (حتی با وجود عضویت رسمی ایران در پیمان شانگهای) ممکن است موجب ناکام ماندن تلاش‌های چین برای گسترش همکاری اقتصادی با دیگر کشورهای منطقه، به ویژه اسرائیل و کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس و مصر شود که ایران را رقیب اصلی خود می‌دانند. در این ارتباط، محدودیت‌های موجود را می‌توان به چند دسته تقسیم نمود:

۱-۵. معضل قطعیت

معضل قطعیت در سیاست خارجی ج.ا. ایران، به عنوان نخستین متغیر، همواره قوام‌بخش این محدودیت‌ها در روابط سیاسی و نظامی دو کشور بوده است. به طور نمونه، در نظر بگیرییم درست پس از نهایی شدن برجام که دولت روحانی از علاقه خود برای نزدیکی به غرب و رسانه‌های بین‌المللی از امکان آشتی احتمالی ایران و آمریکا سخن می‌گفتند، بسیاری از کشورها نمایندگان خود را به تهران فرستادند تا فرصت بازگشت ایران به اقتصاد جهانی را مغتنم بشمارند. در این میان، چین نیز از این قاعده مستثنی نبود. شی جین‌پینگ اولین رهبر جهان بود که پس از اجرای توافق هسته‌ای به ایران سفر کرد. وی در بدو ورود در مقاله‌ای که در روزنامه ایران نوشت^{۲۵}، از ضرورت احیای جاده ابریشم سخن گفت و با عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای موافقت کرد. اما چند ماه پس از برجام، یعنی زمانی که حاکمیت ایران با قاطعیت این پیام را به دنیا مخابره کرد که «این مذاکراتی که امروز در جریان است، صرفاً در قضیه هسته‌ای است و لاغیر»، تکرار این موضع و ارسال این پیام به

۲۵ بنگرید به: شی جین‌پینگ، «چشم‌انداز روشن آینده روابط چین و ایران»، روزنامه ایران، پنجشنبه، ۱ بهمن ۱۳۹۴

جامعه جهانی، نزد کشورهای شرقی این گونه ترجمه شد که ایران با دشمنی مداوم با غرب از گزینه‌های چندانی برخوردار نیست و لذا لازم نیست برای جلب رضایت آن هزینه‌ای متقبل شد. در چارچوب همین فضای قطعیت، پکن از موضع قبلی خود در خصوص همکاری‌های دفاعی با تهران و همچنین حمایت از ایران در پیوستن به سازمان شانگهای در «اجلاس سران شانگهای ۲۰۱۶ تاشکند» عقب‌نشینی کرد و نارضایتی جدی ایران را به دنبال آورد. نگرانی چینی‌ها از وضعیت تاجیکستان و تأثیر منفی عضویت ایران در ورود به سازمان و اتخاذ موضع حمایتی در قبال نهضت اسلامی این کشور به عنوان همسایه بلافصل چین، روابط گسترده چین و آمریکا، عدم اطمینان چینی‌ها از فرایند سیاسی و اقتصادی پس از برجام و نوع روابط ایران با آمریکا به‌ویژه با روی کار آمدن دونالد ترامپ، نارضایتی احتمالی چین از نزدیکی مناسبات ایران و هند، به‌ویژه توافق سه‌جانبه اخیر میان ایران-هند-افغانستان در زمینه توسعه بندر چابهار، و جایگاه مبهم ایران در طرح جاده ابریشم جدید، از جمله دلایل و زمینه‌هایی است که انگیزه‌های چین را از همکاری دفاعی و حمایت از تبدیل عضویت در شانگهای کم کرده است (Rezaei, 2016).

در پیوند با همین معضل قطعیت، بحث نیازمندی و وابستگی متقابل در روابط بین‌الملل مطرح می‌شود. بدین مفهوم که دشمنی پایدار تهران با واشنگتن و برخی از کشورهای غربی، در کنار عدم وابستگی و نیاز به ایران، همواره این ساختار بین‌الذهانی را در غرب شکل داده است که می‌توان ایران را به راحتی مورد هدف قرار داد و اساساً دادن هر نسبتی به ایران تقریباً مجانی است. آمریکا به ایران نیازی ندارد، اما به عربستان، ترکیه و مصر نیازمند است. بخش اعظم احترامی که یک کشور به کشوری دیگر می‌گذارد به خاطر نیاز است و نه اخلاق. لذا سیاست خارجی و استراتژی ملی نمی‌تواند [بر مدار قطعیت و صرفاً] بر اساس توصیه‌های حقوقی، ما به ازای مثبت تولید کند» (سریع القلم، ۱۳۹۵). به طور نمونه، طرح تحریم‌های جدید ایران موسوم به S.722 یا «قانون مقابله با اقدامات بی‌ثبات‌ساز ایران» که ۲۳ مارس ۲۰۱۷ از سوی سناتور باب کورکر ارائه شد، و مجلس سنای آمریکا با اکثریت قاطع آن را در ۱۵ ژوئن تصویب کرد^{۲۶}، به جهت نظام تنبیه، مجازات و جریمه‌های پیش‌بینی‌شده برای افراد حقیقی و نهادهای فعال در همکاری با نیروهای مسلح ایران، به طریق اولی و در همین چارچوب و البته بیش از گذشته،

۲۶ برای آگاهی بیشتر از جزئیات این قانون، رک به:

- S.722 - Countering Iran's Destabilizing Activities Act of 2017, 06/15/2017,

<https://www.congress.gov/bill/115th-congress/senate-bill/722/text>

دامنهٔ ملاحظات و محدودیت‌های چین در همکاری نظامی با ایران را گسترش خواهد داد.

۲-۵. عدم تقارن

در روابط ایران و چین یک واقعیت مهم دیگر نیز وجود دارد که همچنان طی دو دههٔ گذشته، حل‌نشده باقی مانده است. آن مشکل، «عدم تقارن» است. عدم تقارن هم به دو وضعیت اشاره دارد:

الف) تفاوت اولویت‌ها: منظور از تفاوت اولویت‌ها آن است که چین به‌لحاظ اهمیت، در اولویت نخست سیاست خارجی و دفاعی جمهوری اسلامی ایران قرار دارد و این اهمیت، فوریت امنیتی دارد. در شورای امنیت ملل متحد و در مورد جلوگیری، تأخیر و محدودیت برای قطع‌نامه‌های ضد ایرانی و نیز تأمین نیازهای دفاعی کشور، چین از جایگاه مهمی نزد ایران برخوردار است. اما در سوی دیگر، موضوع متفاوت است. ایران برای چین یک اولویت عمده نیست. به‌طور مثال، شی جین‌پینگ در کنفرانس هجدهم حزب کمونیست اعلام کرد که این کشور در قالب فعال‌سازی «دیپلماسی همسایگی و مجاورت»^{۲۷}، اولویت نخست خود را در همهٔ ابعاد با کشورهای همسایه و مجاور در آسیای شرقی دنبال خواهد کرد و سپس گسترش روابط با کشورهای عمده در حال توسعه همچون روسیه، مکزیک، آفریقای جنوبی و هندوستان را در اولویت قرار خواهد داد (Swaine, 2015: 6). اگرچه ایران به لحاظ اقتصادی و ژئواستراتژیک برای تضمین امنیت انرژی چین دارای جایگاه مهمی است، اما پکن ملاحظات جهانی دارد که در آن ایالات متحده آمریکا غیرقابل انکار است. از همین رو، می‌بینیم که حجم مبادلات چین با آمریکا، ۱۱ برابر مبادلات آن با ایران است (Lim, 2015). البته این به‌معنای نادیده گرفتن ایران نیست. با این حال، باید پذیرفت که جایگاه ایران برای چین از اهمیت و فوریت کم-تری در قیاس با نگاه تهران به پکن برخوردار است. هرچند منطق نزدیکی دو کشور از دیدگاه راهبردی-سیاسی و بر مبنای دفع تهدید غرب (آمریکا) و در قالب گسترش همکاری‌های نظامی و امنیتی برای افزایش نقش هر دو کشور مهم است، اما ارادهٔ چینی‌ها صرفاً به جلوگیری و محدودسازی نفوذ آمریکا در منطقهٔ «خارج نزدیک در شرق آسیا» موضوعیت دارد و مناسبات نظامی با ایران برای این کشور عموماً از زاویهٔ تجارت و اقتصاد است؛ یعنی همکاری‌های دو کشور آن‌چنان که ایران می‌اندیشد ناشی از درک

مشترک تهدید و اراده برای مقابله با آن نیست. دو کشور تنها تا حدودی در سوریه کنونی همکاری جدی داشته‌اند و سایر موارد را نمی‌توان به‌طور دقیق مصداق همکاری راهبردی دانست. ظرف چهار سال اخیر هم نقش آفرینی چین در خاورمیانه، بیشتر از آنکه راهبردی باشد، تاکتیکی و واکنشی به پیشروی‌های غرب بوده است.

ب) تفاوت نیازها: منظور از تفاوت نیازها هم آن است که توجه چین به ایران، بیش‌تر از هر چیز به خاطر مسائل دوجانبه (بازارهای ایران) و سپس نیاز به نقش مثبت منطقه‌ای است. اما در سطح جهانی، رأی و توی چین و نقش تأخیری و محدودساز آن در شورای امنیت برای ایران اهمیت زیادی دارد. در مسائل دوجانبه هم نیازهای فنی و نظامی ایران حائز اهمیت است. از این‌رو، اگرچه دو کشور در حوزه اقتصادی نقش مکملی دارند، اما در سایر حوزه‌ها دارای عدم تقارن در همکاری هستند که خود محدودیت در روابط نظامی را ایجاد می‌کند. همان‌طور که اشاره شد نیاز ایران به چین بیش‌تر به صورت فوریتی در سطح جهانی و سپس در سطح دوجانبه (نیاز به فروش نفت و خرید تسلیحات و فناوری‌های نظامی) است و نیاز چین به ایران نیز عمدتاً در سطح منطقه‌ای و ژئوپلیتیکی است. اما این نیاز متقابل به گونه‌ای پیش نرفته است که به یک همکاری نظامی جدی و یا اتحاد راهبردی برسد. در واقع، نیاز چین به ایران به گونه‌ای نیست که الزامی برای پکن ایجاد کند و در نتیجه به اقتضای شرایط و منافع آن، در روابط خود با ایران تجدید نظر کرده است. نباید فراموش کنیم که انتخاب استراتژیک چین و روابط ویژه آن با قدرت‌های بزرگ در قالب رویکرد «توسعه مسالمت آمیز» از یک سو و «خاص» بودن ایران در عرصه بین‌المللی از دیگر سو نیز محدودیت‌های جدی بر توسعه مناسبات نظامی و دفاعی باز می‌کند.

۳-۵. ملاحظات بین‌المللی

در این‌جا محدودیت دیگری که بر روابط نظامی ایران و چین می‌توان متصور بود، ناظر به رژیم‌های بین‌المللی کنترل تسلیحات و همچنین قطع‌نامه ۲۲۳۱ شورای امنیت است. به‌طور مثال، چین نیز به نوبه خود متعهد به رعایت دستورالعمل «رژیم کنترل فن‌آوری موشکی»^{۲۸} است که انتقال قطعات و فن‌آوری‌هایی را که می‌تواند در موشک‌های کروز و بالستیک دوربرد استفاده شود محدود می‌کند» (Medeiros, 2007: 97-174). از طرفی، با لغو شش قطع‌نامه تحریمی علیه ایران در جریان مذاکرات هسته‌ای و محور قرار گرفتن

قطع‌نامه جدید ۲۰۲۱، قطع‌نامه مذکور ملاک عمل چین در خصوص فرایند و روند کسب مجوز تامین محصولات نظامی به ایران از طریق کسب رضایت شورای امنیت سازمان ملل خواهد بود. بخشی از محدودیت‌های این قانون برای دوره‌ای تا سال ۱۳۹۹ و برخی دیگر تا سال ۱۴۰۲ مقرر شده است. به طور نمونه، آمریکا فعلاً نه با هم‌پیمانان خود مانند انگلیس و فرانسه در شورای امنیت سازمان ملل تلاش خواهند داشت تا مانع رأی دادن به فروش سلاح‌های متعارف اصلی به ایران در ۸ سال نخست توافق هسته‌ای شود. دوم، آمریکا قویاً تحریم‌های باقیمانده علیه ایران را به اجرا درخواهد آورد، که می‌تواند شامل جرائمی برای شرکت‌های چینی‌ای باشد که برخلاف قانون تحریم‌های ایران و نیز قانون کاهش تهدید ایران عمل می‌کنند. به علاوه، آمریکا با فشار کنگره، لابی اسرائیل و هم‌چنین دیپلماسی دلار عربستان سعودی، تلاش خواهند کرد چین را تشویق کند تا از فروش سلاح‌های پیشرفته به ایران خودداری کند. در واقع برای مقامات سیاسی در پکن این‌طور استدلال می‌شود که چین فروش‌های تسلیحاتی می‌تواند ایران را در اجرای یک سیاست خارجی بی‌پروا تر تشویق کند، که ممکن است اعتبار تأمین نفت چین را به خطر بیندازد و منافع مرزی چین در ثبات منطقه‌ای را تهدید کند. در چنین شرایطی، اسرائیل، عربستان، امارات متحده عربی و ترکیه نیز تشویق خواهند شد تا از پکن چنین مطالباتی داشته باشند. بنابراین، چین بعید است به دنبال نوعی از روابط دفاعی با ایران به سبک اتحاد نظامی غربی باشد. در واقع، چین به مدت طولانی یک سیاست خارجی مستقل را در پیش گرفته است که به طور کلی از تعهدات مبتنی بر اتحاد اجتناب می‌کند.^{۲۹} بر همین اساس، این کشور در دوره جین‌پینگ، فعلاً نه ساخت و راه‌اندازی یک شبکه جهانی را در دستور کار قرار داده است که با ایجاد ۷۲ اشکال مختلف از همکاری با ۶۷ کشور و پنج سازمان منطقه‌ای، در عمل، ایده مشارکت به جای اتحاد را پیگیری می‌کند. حفظ معاهده دفاع متقابل رسمی این کشور نیز تنها با کره شمالی است. افزون بر آن، بعید است که پکن مشارکت اقتصادی و سیاسی مهم خود با واشنگتن را به خاطر مواضع آشکار ضد آمریکایی ایران با توسعه روابط نظامی به خطر اندازد. همین دست ملاحظات و متغیرهای موجود در روابط دو کشور، امکان همکاری نظامی پیشرفته میان ایران و چین را منتفی می‌کند.

۲۹ اساساً چین معاصر، منشاء روانی اتحاد را رد می‌کند. در این ارتباط دیدگاه جالب «خو جین»، دانشیار مؤسسه اقتصاد جهانی و سیاست در پکن در نوع خود قابل تأمل است. ر.ک به منبع چینی:

۶. تفاوت روابط نظامی ایران و روسیه با چین

با نگاهی مقایسه‌ای به روابط دفاعی ایران و روسیه، این پرسش مطرح می‌شود که چرا پس از برجام، مناسبات نظامی و دفاعی ایران با روسیه در قیاس با چین، از اهمیت بیش‌تری برخوردار شده است؟ به‌طور مثال، استدلال برخی از کارشناسان بر این پایه استوار است که وقتی روسیه توانست فروش سامانه دفاع موشکی S-300 را به ایران عملیاتی کند و در آینده‌ای نزدیک احتمال فروش جنگنده‌های سوخو ۳۰ نیز دور از ذهن نخواهد بود، چرا مقامات چینی مایل نیستند حتی برای فروش تسلیحات کوچک، موشک‌های کوتاه‌برد و دیگر سیستم‌ها در چارچوب همین فضا از موقعیت استفاده نمایند؟ پاسخ به این پرسش از چند منظر قابل توجه است.

قبل از هر چیز، باید توجه داشت که الگوهای روابط نظامی ایران با کشورهای روسیه و چین در قالب اجرای تعهدات متقابل تنظیم شده است. این الگو توانسته است جلوه‌هایی از کشاکش بین حوزه‌های مختلف ائتلاف و همکاری را در روابط ایران با کشورهای چین و روسیه به وجود آورد. هر یک از کشورها اعتقاد دارند که شرایط عمومی برای اجرای تعهدات نظامی با ایران، ضرورت‌های متفاوتی از سطح همکاری‌های موجود را می‌طلبد. در همین ارتباط، موضوع به وضعیت سیاست خارجی متفاوت دو کشور برمی‌گردد که تابعی از ماهیت قدرت و ساختار بینش فکری و نیز مؤلفه‌های اثرگذار منطقه‌ای و بین‌المللی است. بدین مفهوم که قدرت اقتصادی جمهوری خلق چین اساساً بر تجارت اسلحه متمرکز نیست. به‌طور نمونه در سال ۲۰۱۰، این کشور دومین اقتصاد بزرگ جهان، و در سال ۲۰۱۲ به بزرگ‌ترین کشور تجاری در عرصه بین‌المللی نائل گردید. افزون بر آن، دسامبر ۲۰۱۴ بود که صندوق بین‌المللی پول بر اساس معیار قدرت خرید اعلام کرد که چین به اولین و بزرگ‌ترین اقتصاد جهان تبدیل شده است. بر اساس این شاخص، تولید ناخالص داخلی چینی‌ها ۱۷ تریلیون و ۶۰۰ میلیارد دلار از ایالات متحده آمریکا با ۱۷ تریلیون و ۴۰۰ میلیارد دلار تولید ناخالص داخلی پیشی گرفت (Brett, 2014). بنابراین، اقتصاد چین به رشد صادرات کالا و خدمات وابسته است و آن‌چنانی که روسیه در تنگنای تحریم‌های غرب بوده و نیازمند تجارت اسلحه است، کسب درآمد از طریق فروش سلاح، منبع اصلی و اولویت مقامات در پکن نیست. در واقع، این تحریم‌های غرب علیه روسیه است که پس از برجام مقامات مسکو را واداشته در روابط خود با ایران تجدیدنظر کنند. به عبارتی، روند انقباضی اقتصادی روسیه سبب شده است که این کشور برای ادامه حیات اقتصادی خود به درآمد حاصل از فروش تجهیزات نظامی به

ایران به طور جدی بیندیشد. روسیه خوب می‌داند که کوتاهی در تأمین منظومه دفاعی اش تا چه اندازه ضربات مهلک اقتصادی به آن وارد می‌کند. طبیعی است که این فاکتور در مورد چین موضوعیت نمی‌یابد.

از دیگر سو، در روابط ایران و روسیه می‌توان الگوهای نسبتاً ثابتی را ردیابی نمود. به این معنی که هر زمان دولت ایران از لحاظ مؤلفه‌های قدرت ملی در بالاترین سطح خود قرار داشته است، توجه به مطالبات و نقش ایران در سیاست خارجی کرملین پررنگ شده است. بحران اوکراین و مسائلی مانند اقدامات یک‌جانبه آمریکا در خصوص گسترش ناتو به شرق نیز به سهم خود، نقش تعدیلی ایران در تقابل با غرب را برای روسیه احیا می‌کند و بر همین اساس، این کشور امکان فروش برخی تسلیحات به ایران را تسهیل می‌کند. مسلماً ایران قادر نیست این نقش را برای چین در اقیانوس هند و دریای چین جنوبی در تقابل با آمریکا ایفا نماید که متعاقب آن فروش تسلیحات چینی روانه ایران شود. قرینه این بحث نیز در سال ۱۹۹۷ در خصوص تایوان اتفاق افتاد. یعنی در آن مقطع، در قبال تعهد واشنگتن در خصوص عدم فروش تسلیحات نظامی به تایوان، پکن نیز متعهد به کنارگیری از همکاری هسته‌ای و تسلیحاتی با ایران گردید (Mackenzie, 2010: 10).

عامل سوم، فعال‌تر شدن روسیه در روند تحولات خاورمیانه و خلیج فارس است. به طور نمونه، ایران با در اختیار قرار دادن پایگاه نظامی همدان به جنگنده‌های روسیه در اوت ۲۰۱۶ برای حمله به مواضع داعش در سوریه، به صورت نمادین، تعمیق روابط سیاسی و نظامی میان دو کشور را در تقابل با ائتلاف به رهبری آمریکا نشان داد. این موضوع نیز قابل توجه است که روس‌ها به ایران به چشم دریچه‌ای برای حضور فعالانه‌تر در محیط امنیتی خاورمیانه و خلیج فارس نگاه می‌کنند؛ حضوری که برای آنها از یک اهمیت ویژه بین‌المللی برخوردار است و مرتبط با نیازهای روسیه برای تعادل استراتژیک با آمریکا ارزیابی می‌شود. از این منظر، همکاری دو کشور در سوریه در واقع مهم‌ترین درگیری نظامی مشترک ایران در یک کشور خارجی از زمان پیروزی انقلاب به این سو به‌شمار می‌رود. همین موضوع الزامات مناسب‌نظامی نزدیک‌تر میان دو کشور را اجتناب‌ناپذیر ساخته است. شاهد مثال آن که تنها در طول دولت یازدهم، رؤسای جمهور ایران و روسیه هشت بار با یکدیگر ملاقات داشته‌اند. این در حالی است که حسن روحانی تنها سه ملاقات با همتای چینی خود طی چهار سال دور اول ریاست جمهوری را تجربه کرده است. این مهم در مورد ملاقات مقامات عالی‌رتبه نظامی دو کشور نیز صدق می‌کند.

موضوع دیگر در عدم موفقیت روابط نظامی ایران و چین در مقایسه با روسیه، به نقش و متغیر عربستان سعودی برمی‌گردد. ایران یکی از تأمین‌کنندگان مهم نفت چین محسوب می‌شود، اما در حال حاضر رتبه ششم را در اختیار دارد و عربستان سعودی هم‌چنان منبع نخست واردات نفت خام چین است (EIA, May 14, 2015). هم‌چنین پکن در راستای ثبات در رشد اقتصادی، خلق فرصت‌های جدید تجاری و تعیین چارچوبی برای توسعه پایدار خود، استراتژی «یک کمربند، یک جاده»^{۳۰} را در سال ۲۰۱۳ اعلام کرده است که بر اساس آن، دو مؤلفه اصلی این راهبرد، کمربند اقتصادی جاده خاکی و جاده دریایی ابریشم است. هدف از کمربند اقتصادی «جاده ابریشم زمینی» اتصال چین به اروپا به واسطه آسیای مرکزی و غربی است که جغرافیای زمینی ایران نقشی تعیین‌کننده در این خصوص دارد، و مؤلفه دوم «جاده ابریشم دریایی» است که چین را به کشورهای آسیای جنوب شرقی، آفریقا و اروپا متصل می‌کند. در این چارچوب، مسیر دریای سرخ، نیازمند همکاری جدی عربستان سعودی و مصر است. همین واقعیت، محدودیت‌های جدی برای در نظر گرفتن ملاحظات عربستان نزد مقامات پکن ایجاد می‌کند و به طریق اولی، تعدیل‌کننده روابط نزدیک نظامی چین با ایران به‌شمار می‌رود. در همین ارتباط، تلاش چین برای ایجاد توازن میان ایران و عربستان در طرح جاده ابریشم جدید در مناسبات نظامی دو کشور نیز قابل توجه است. دیدار ملک سلمان با رئیس‌جمهور چین در ماه مارس ۲۰۱۷ در پکن، فراتر از انعقاد قراردادهای ۶۵ میلیارد دلاری در حوزه‌های نفتی، پالایشی و بازرگانی بوده و عمدتاً بر توسعه همکاری راهبردی بین ریاض و پکن، نقش آفرینی مؤثر عربستان در ساختار امنیتی آسیا-خاورمیانه و ارتقای جایگاه ریاض در جاده ابریشم دریایی تأکید دارد. از سوی دیگر، در طرح جاده ابریشم دریایی، جمهوری اسلامی ایران بزرگ‌ترین تهدید برای عربستان به‌شمار می‌رود. لذا چین در تلاش است تا با حفظ توازن در روابط بین ایران و عربستان به اهداف موردنظر خویش نائل گردد؛ تا جایی که انعقاد توافق ده ساله با تهران برای افزایش سطح تجارت فی‌مابین تا ۶۰۰ میلیارد دلار از این منظر قابل توجیه است (Motevalli, 2016:3-4). اما از طرفی گسترش حوزه نفوذ ایران در جنگ یمن تا خلیج عدن و دریای سرخ تا حدودی باعث نگرانی دولت چین برای تضمین امنیت دریایی جاده ابریشم شده است. بنابراین، دولتمردان پکن تصمیم گرفتند تا اولین پایگاه دریایی برون‌مرزی را با همکاری عربستان در جیبوتی احداث نمایند که از لحاظ راهبردی در خلیج عدن و دریای سرخ بسیار حائز اهمیت است. در این میان، عقد توافق‌نامه

احداث کارخانه پهبادسازی در عربستان میان «شرکت دولتی علم و فن آوری هوافضای چین»^{۳۱} با همکاری «مرکز علوم و فن آوری ملک عبد العزیز»^{۳۲} (Spencer, 2017)، نشانه دیگری از تمایل پکن و عربستان برای توسعه همکاری راهبردی با هدف کنترل اقدامات ایران در کریدور خلیج عدن و دریای سرخ و نیز ایجاد تغییرات اساسی در ترتیبات امنیتی آسیا-خاورمیانه است. اما روسیه با توجه به دارا بودن منابع عظیم نفت و گاز، ضرورتی برای در نظر گرفتن ملاحظات عربستان سعودی یا دیگر کشورهای عرب خلیج فارس ندارد. در نقطه مقابل حتی همکاری نظامی دو کشور ایران و روسیه، فشار بر عربستان سعودی به عنوان متحد اصلی آمریکا در خاورمیانه را تشدید خواهد کرد تا به طور مثال از اقداماتی که باعث کاهش قیمت نفت در بازار جهانی علیه روسیه می شود، بکاهد و از دیگر سو، مقامات ریاض را نیز به خرید تسلیحات روسی ترغیب نماید.

موضوع دیگر به شیوه و ابزار نهادسازی های منطقه ای و جهانی برمی گردد. روسیه در ایجاد نهادهای منطقه ای در حوزه «سی ای اس» به طور نسبی موفق بوده، اما یکی از ضعف های عمده آن در سیاست خارجی عدم توان این کشور در ائتلاف سازی خارج از این منطقه است. طی سال های اخیر مسکو با تشدید تلاش های خود در قالب های فرامنطقه ای از جمله شانگهای و بریکس بر آن بوده تا این ضعف را ترمیم کند؛ اما دستاورد آن ناچیز بوده و مزایای حاصله از این قالب ها [با مزایایی که چین از ائتلاف های منطقه ای و نهادسازی های اقتصادمحور همچون بانک سرمایه گذاری آسیا دنبال می کند]، قابل مقایسه نیست (نوری، ۱۳۹۵: ۷)؛ یعنی اگرچه تعاملات فزاینده منطقه ای روسیه با ایران نمی تواند به عنوان «ائتلاف» یا «محور» تفسیر شود، اما این دست تلاش ها برای ایجاد صف بندی های سیاسی استراتژیک، تا حدودی همکاری های نظامی روسیه با ایران را در یارگیری های منطقه ای اجتناب ناپذیر کرده است. حال آن که چین بر پایه سیاست توسعه مسالمت آمیز، همچنان حاضر نیست بر خلاف نظر روسیه که شدیداً مایل به عضویت ایران در شانگهای است، ماهیت این سازمان با حضور رسمی ایران بیش تر نظامی و در تقابل با آمریکا تعریف شود. حتی «چین برنامه جاده ابریشم را عمدتاً از منظر ژئواکونومیک و پیش برد نوعی جهانی شدن با ویژگی های چینی آن مفهوم بندی کرده است. چنین مفهوم بندی هایی در ایران به شدت غریب است» (شریعتی نیا، ۱۳۹۵).

31 China Aerospace Science and Technology Corporation (CASC)
 32 King Abdulaziz City for Science and Technology

نکته آخر در این جا به کیفیت و سطح تکنولوژی تسلیحات نظامی برمی گردد؛ بدین معنی که سال‌ها تحریم موجب شده است تا تلاش‌های ایران به منظور مدرن‌سازی ارتش خود بی‌نتیجه باقی بماند. جنگنده‌های ایرانی و بخش اعظمی از تانک‌ها و سامانه‌های توپخانه‌ای و پدافند هوایی ایران قدیمی و فرسوده هستند و از نظر اولویت و کارآمدی، هم‌چنان این تسلیحات روسی هستند که به واسطه برتری تکنولوژی از نوع مشابه چینی، انگیزه مقامات نظامی در تهران را برای صرف هزینه در این خصوص، بیش از چین به سمت روسیه جلب می‌کند.

نتیجه‌گیری

در این مقاله نشان داده شد که با روی کار آمدن دولت حسن روحانی در ایران و شروع دور

جدید مذاکرات هسته‌ای با گروه ۱+۵ و سپس دست‌یابی به برنامه جامع اقدام مشترک، این امر منجر به مشروعیت‌بخشی به رابطه بین‌المللی ایران و چین شده؛ به گونه‌ای که احتمال گسترش روابط نظامی دو کشور را نیز در معرض دید قرار داده است. گفته می‌شود خرید هواپیماهای جنگی، ارتقاء توان موشک‌های بالستیک، سیستم‌های دفاع هوایی و قطعات مورد استفاده در آن‌ها، مهم‌ترین اولویت‌های ایران را برای ایجاد موازنه با کشورهای منطقه تشکیل می‌دهند و چین نیز روی منافع اقتصادی و ملاحظات چانه‌زنی استراتژیک آن با غرب و کشورهای عرب حساب ویژه‌ای باز کرده است. با وجود این، برخلاف انتظارات، روابط ایران و چین به‌ویژه پس از برجام به شدت شکننده بوده و به کندی پیش می‌رود. در عین حال، می‌دانیم که نوع روابط عالی کشورها در سه سطح قابل تعریف است: «اتحاد استراتژیک»، «مشارکت استراتژیک» و «همکاری استراتژیک». این بدان معناست که اکنون رابطه ایران و چین از «مرحله سوم» به «مرحله دوم» رسیده است؛ نظر به آن که گرایش جدید چین به دیپلماسی مشارکت جامع استراتژیک در ارتباط با جمهوری اسلامی ایران، انعکاسی از معادلات جهانی با آمریکا و نقش محوری ایران در این چارچوب تفسیر می‌شود. در واقع، به دلیل سیاست‌های کلان چین در عرصه بین‌المللی از یک سو، و هم‌چنین وضعیت امنیتی و دفاعی چندلایه، پیچیده و گاهاً مصلحتی دو کشور، پکن تاکنون تهران را تنها به عنوان «همکار راهبردی» خود تلقی کرده است. بنابراین، ما باید سیاست‌گذاری‌ها و سطح انتظارات خود را مطابق با این مرحله از روابط دوجانبه تنظیم کرده و از اتخاذ تصمیمات فراتر از این حوزه اجتناب ورزیم؛ چرا که شواهد حاکی از آن است که در میان مدت نیز، بستر لازم برای روابط پیشرفته نظامی و دفاعی دو کشور و بهره‌برداری از تسلیحات چینی در راستای ایجاد موازنه فراهم نخواهد شد. با این حال، پس از برجام، ج.ا.ایران و چین با استفاده از دیپلماسی دفاعی و امنیتی قادر خواهند بود در جهت پیوندهای سودمند متقابل برای ثبات بین‌المللی و منطقه‌ای گام بردارند. در مجموع، می‌توان گفت که امضای برجام، با وجود حفظ تحریم‌های بین‌المللی تسلیحات تهاجمی قبلی، همکاری نظامی-فنی با ایران را در حوزه تسلیحات دفاعی در نظر می‌گیرد. با وجود این، باید توجه داشت که فضای کنونی پس از توافق هسته‌ای صرفاً تضمین این امر نیست که در کوتاه‌مدت و میان‌مدت، سطح مناسبات نظامی دو کشور به مرحله‌ای می‌رسد که می‌توانند نگاه مشترکی به عرصه جهانی داشته باشند، بلکه فضای پسابرجام، متضمن ایجاد نظامی جدید در روابط نظامی دو کشور است که در پرتو مجموعه‌ای از فرصت‌ها و توافقات در این قلمرو، این بستر راه‌یافتی می‌کند که مناسبات نظامی با این کشور در آینده در صورت تنش‌زدایی ایران با غرب بهبود یابد.

منابع

الف) منابع فارسی

- برزگر، کیهان و رضائی، مسعود. (۱۳۹۵). راهبرد دفاعی ایران از منظر آیت‌الله خامنه‌ای، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۷۴، زمستان.
- خبرگزاری فارس. (۱۳۹۴). دیدار و گفتگوی فرماندهان نیروی هوایی ارتش ایران و چین در پکن، ۱۱ آبان‌ماه.
- رضائی، مسعود. (۱۳۹۴). تأثیر توافق هسته‌ای بر روابط ایران و چین، در: چشم‌انداز روابط ایران و چین، گردآوری و تدوین: حسین عسگریان، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- رضائی، مسعود. (۱۳۹۳). پکن متحد استراتژیک تهران نیست، دیپلماسی ایرانی، ۲۴ دی‌ماه.
- رضائی، مسعود. (۱۳۹۳). توافق هسته‌ای چه آثاری بر روابط ایران و چین خواهد گذاشت؟، دیپلماسی ایرانی، ۲۸ بهمن‌ماه.
- سریع‌القلم، محمود. (۱۳۹۵). چرا ما راحت تحریم می‌شویم، وبسایت شخصی نویسنده، ۱۸ بهمن‌ماه.
- شریعتی‌نیا، محسن. (۱۳۹۵). ایران حاشیه‌نشین ابریشم، اینترنشنال، ۸ بهمن.
- نوری، علیرضا. (۱۳۹۵). ابعاد و اهداف حضور نظامی روسیه در ایران، ابرار معاصر تهران، ۲ شهریور.

ب) منابع انگلیسی

- Brett, Arends. (2014). *It's official: America is Now*, Market Watch, No. 2, December 4, <http://www.marketwatch.com/story/its-official-america-is-now-no-2-2014-12-04>
- Chinese Ministry of National Defense. (2015). *China's Military Strategy*, May 26, <http://news.usni.org/2015/05/26/document-chinas-military-strategy>
- DefenseNews. (2015). *Pakistan Seeks to Energize Naval Modernization*, <http://defensenews.com/story/defense/naval/ships/2015/06/17/pakistan->

revive-naval modernizationshipbuilding-china-frigates-dockyard-ksew/71074464/

Ermito, Daniele. (2015). *Strengthening partnership between China and Iran*, Global Risk Insights, August 27, <http://globalriskinsights.com/2015/08/strengthening-partnership-between-china-and-iran/>

Gormley, Dennis, Andrew S. Erickson and Jingdong Yuan. (2014). **A Low-Visibility Force Multiplier: Assessing China's Cruise Missile Ambitions**, Washington DC: NDU Press.

Heath, Timothy and Andrew S. Erickson. (2015). *Is China Pursuing Counter-Intervention?*, **The Washington Quarterly**, 38, no. 3, Fall

Ismael, Tareq Y. (1986). **International Relations of the Contemporary Middle East: A Study in World Politics**, Syracuse University Press,

Karaganov, Sergei. (2008). *Going Forward to Asia?*, **Russian Politics & Law**, Volume 46, Issue 6.

Kuek Ser, Kuang Keng. (2016). *Where did Iran get its military arms over the last 70 years?*, **PRI** Jun 1, <http://pri.org/stories/2016-06-01/where-did-iran-get-its-military-arms-over-last-70-years>

LaGrone, Sam. (2014). *Chinese Ships in Iran for Joint Exercises*, September 22, **USNI News**, <http://news.usni.org/2014/09/22/chinese-ships-iran-joint-exercises>

Lim, Kevin. (2015). *Iran Seen from Beijing*, **Washington Institute**, June 11,

Mackenzie, Peter. (2010). *A Closer Look at China-Iran Relations*, **Roundtable Report: CNA China Studies**, September.

Medeiros, Evan S. (2007). **Reluctant Restraint: The Evolution of China's Nonproliferation Policies and Practices, 1980–2004**, Stanford University Press.

Morgenthau, H. J. (1948). **Politics among Nations: The Struggle for**

Power and Peace, New York: Alfred A. Knopf

Motevalli, Golnar. (2016). *China, Iran Agree to Expand Trade to \$600 Billion in a Decade*, **Bloomberg**, 23 January, available at <http://www.bloomberg.com/news/articles/2016-01-23/china-iran-agree-to-expand-trade-to-600-billion-in-a-decade>

PLA Daily. (2014). *Chinese naval commander meets with Iranian counterpart*, http://english.pladaily.com.cn/news-channels/china-military-news/2014-10/23/content_6193844.htm

Posen, Barry R. (2016). *The Skeptics/The High Costs Limited Benefits Americas Alliances*, **National Interest**, August 7, 2016, <http://nationalinterest.org/blog/the-skeptics/the-high-costs-limited-benefits-americas-alliances-17273>

Spencer, Richard. (2017). *China to build drone plant in Saudi Arabia*, **The Times**, March 28, <https://www.thetimes.co.uk/article/beijings-influence-grows-with-deal-to-build-drone-factory-in-saudi-arabia-c7thzh9v8>

Rezaei, Masoud. (2015). *China's Strategic Considerations in Bolstering Defense Diplomacy with Iran*, **Iran Review**, Sunday, October 25.

Rezaei, Masoud. (2014). *Chinese-Iranian Military Relations*, **Iranian Review of Foreign Affairs**, Vol.5, No.3. Fall.

Rezaei, Masoud. (2015). *Final Nuclear Deal and Iran-China Relations*, **Iran Review**, Thursday, February 26,

Rezaei, Masoud. (2016). *Iran China Need to Take More Steps to Expand Ties*, **Iran Review**, September 21, <http://www.iranreview.org/content/Documents/Iran-China-Need-to-Take-More-Steps-to-Expand-Ties.htm>

Rezaei, Masoud. (2015 a). *Why Iran Should have Missile Capability*,

The Diplomat, March 6, <http://thediplomat.com/2015/03/why-iran-should-have-missile-capability/>

Riedel, Bruce. (2017). *The \$110 Billion Arms Deal to Saudi Arabia is Fake News*, **Brookings**, Monday, June 5, <https://www.brookings.edu/blog/markaz/2017/06/05/the-110-billion-arms-deal-to-saudi-arabia-is-fake-news>

Singer, P.W. (2015). *How the United States Can Win the Cyberwar of the Future*, **Foreign Policy**, December 18, <http://foreignpolicy.com/2015/12/18/how-the-united-states-can-win-the-cyberwar-of-the-future-deterrence-theory-security/>

Singh, Michael. (2014). *China's Military Presence in the Persian Gulf*, **Wall Street Journal**, Sep 26 <http://blogs.wsj.com/washwire/2014/09/26/chinas-military-presence-in-the-gulf/>

SIPRI. (2016). Trends in World Military Expenditure, **SIPRI Fact Sheet**.

SputnikNews. (2015). *Iran's Nuclear Program Amid Western Sanctions*, June 3, <http://sputniknews.com/politics/20150603/1022905361.html>

Swaine, Michael D. (2015). *Xi Jinping's Address to the Central Conference on Work Relating to Foreign Affairs: Assessing and Advancing Major Power Diplomacy with Chinese Characteristics*, **China Leadership Monitor**, Issue 46, Thursday, March 19.

UPI. (2010). *China opens missile plant in Iran*, April 23, available at: http://www.upi.com/Business_News/Security-Industry/2010/04/23/China-opens-missile-plant-in-Iran/UPI-82791272037022/

U.S. Energy Information Administration (EIA). (2015). *China: International Energy Data and Analysis*, May 14, www.eia.gov/beta/international/analysis.cfm?iso=CHN

USNI News. (2015). Document: China's Military Strategy, May 26,

available at: <http://news.usni.org/2015/05/26/document-chinas-military-strategy>

Weijian, Li. (2015). *Iran deal paves way for SCO membership*, **Global Times**, August 3, <http://www.globaltimes.cn/content/935132.shtml>

Waltz, Kenneth. (1979). **Theory of International Politics**, New York: McGraw Hill.

Wuthnow, Joel. (2016). *Are Chinese Arms About to Flood Into Iran?*, January 13, **National Interest**, available at: <http://nationalinterest.org/feature/are-chinese-arms-about-flood-iran-14887>